

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
مسئول برگزاری همایش: بنیاد علمی حقوقی قانون یار
شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۳۹۵/۸۰۵ رده بندی کنگره: ج ۵۱۳/۲

بررسی نکاح در مذهب حنفیه

دکتر بهنام اسدی

استاد دانشگاه

چکیده

در مقاله فوق ابتدا احکام فقهی عامه مطرح شده پس از آن به بررسی رأی و نظرهریک از ائمه مذاهب اربعه و شیعه در مسائلی که با هم اتفاق و یا اختلاف دارند به اختصار اشاره خواهد شد. از امتیازات این روش که بیانگر ضرورت این اثر است، این است که مذهب فقهی اهل بیت (علیه السلام) را باقیه مذاهب اسلامی در مقاله ای واحد عرضه می نماید تا به مقارنت و نزدیکی بین آراء فقهیه تسهیل بخشیده و مسلمانان همه مذاهب را با احکام فقهی اهل بیت (علیه السلام) آشنا نماید. عقد جمع عقود و در لغت به معانی مختلفی آمده است: گشودن و باز کردن؛ گره بستن، استوار و محکم گردانیدن، جمع بین اطراف چیزی، بستن چیزی به دیگری به گونه ای که جدا شدن یکی از دیگری سخت باشد، مثل گره زدن ریسمان و نخ به نخ و ریسمان دیگر، ربط و ضمان و عهد، گردنبدن، به عمل بستن و محکم کردن، گره زدن، قطعی کردن و پیمان بستن آمده است. از جمع بندی مفاهیمی که برای عقد بیان شد به دست می آید که در کلیه معانی این کلمه مفهوم بستن، تحکیم و وصل نهفته است.

واژگان کلیدی: نکاح، حنفیه، ازدواج، زوج و زوجه، زناشویی

بخش اول: کلیات

«نکاح» در لغت به معانی؛ جمع کردن، زن را شوهر دادن و مرد را زن دادن، زناشویی کردن، زناشویی بستن، زناشویی، عقد ازدواج، جماع و همبستر شدن است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «إِلَّا أَنْ يَتَّفِقُوا أَوْ يُعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ»؛ مگر آن که خود (زنان) گذشت کنند یا کسی که گره زناشویی و امر نکاح به دست اوست (ولی) گذشت کند.»

عقد نکاح، از عقود لازم است؛ یعنی هیچ یک از طرفین نمی‌تواند آن را به میل خود و بدون رضایت دیگری فسخ کند، مگر در موارد خاصی که قانون معین کرده است.

بند اول: دیدگاه مذاهب اربعه در شروط صیغه عقد نکاح

رکن از نظر حنفیه: به چیزی گفته می‌شود که وجود آن متوقف بر او باشد و جزئی از حقیقت آن باشد به خلاف شرط که اینگونه نیست. رکن نزد جمهور فقهاء: به چیزی گفته میشود که قوام و وجودش به آن وابسته است یا نیازمند به آن است، پس بدون آن تحقق پیدا نمی‌کند. ارکان ازدواج نزد حنفیه: ایجاب و قبول است. ارکان ازدواج نزد جمهور فقهاء مذاهب چهارگانه: صیغه (ایجاب و قبول)، زوجه، زوج و ولی است.

بند دوم: صیغه ازدواج

الف) الفاظ ازدواج: هریک از ایجاب و قبول گاهی با لفظ یا کتابت و یا با اشاره است. برخی از الفاظ ایجاب و قبول، مثل لفظ انکحت و زوجت مورد اتفاق همه فقهاء بر انعقاد ازدواج است. برخی از آن الفاظ، چون لفظ اباحه، اعاره، اجاره، متعه، وصیت، رهن، ودیعه و غیره مورد اتفاق همه بر عدم انعقاد ازدواج است. برخی از الفاظ نیز مانند لفظ بیع، هبه، صدقه، عطیه و غیره نیز مورد اختلاف مذاهب چهارگانه در انعقاد ازدواج است.

- ۱- دیدگاه حنفیه و مالکیه: ازدواج با این الفاظ منعقد می شود، به شرط نیت یا قرینه ای که دلالت بر ازدواج نماید. آیه شریفه ای که دلالت بر ازدواج به لفظ هبه می کند: «وامرأة مومنة ان وهبت نفسها للنبي ان اراد نبي ان يستنكحها خالصة لك من دون المؤمنين»
- ۲- نظر شافعی و حنبله: ازدواج با آن الفاظ منعقد نمی شود مگر آنکه فقط به لفظ نکاح و تزویج باشد.

ب) صیغه فعل: صیغه ایجاب و قبول گاهی به لفظ ماضی، مضارع و امر می آید. علماء مذاهب به صیغه ماضی اتفاق نظر دارند، ولی در مضارع و امر اختلاف دارند: صحت عقد نزد حنفیه و مالکیه به صیغه مضارع در صورتی است که قرینه ای بر اراده انشاء عقد در حال باشد، نه اینکه برای وعد در مستقبل باشد. ازدواج نزد شافعی و حنبله با صیغه مضارع منعقد نمی شود، بلکه باید حتماً با صیغه ماضی مشتق از نکاح و ازدواج باشد. عقد ازدواج با صیغه امر نزد حنفیه و مالکیه صحیح است در صورتی که با آن قصد انشاء ازدواج شود؛ زیرا گفته مرد توکیل ضمنی زن است، در اینکه خودش را به ازدواج او در آورد. ازدواج با صیغه استفهام مادامی که بعد از آن موجب ازدواج (قبلت) ذکر نشود نزد حنفیه صحیح نیست.

ج) انعقاد ازدواج با عاقد واحد: قول حنفیه: ازدواج با عاقد واحد منعقد می شود در صورتی که از سوی دو نفر ولایت داشته باشد، حال فرق نمی کند ولایت اصلی مثل ولایت فامیل و نزدیکان و یا فرعی مثل ولایت وکالت باشد. بنا بر قول مالکیه فقط در صورتی که پسر عمو و وکیل ولی و حاکم در صورتی که خودش زن را به ازدواج در آورد، صحیح است.

د) انعقاد ازدواج به کتابت و اشاره: فقهاء مذاهب اربعه جملگی قائلند که ازدواج به کتابت در حال غیب و حضور منعقد نمی گردد؛ زیرا کتابت کنایه است. نکاح شخص لال

نزد همه مذاهب اربعه به کتابت و اشاره منعقد می‌شود، اما حنفیه می‌گویند اگر لال قادر به کتابت باشد فقط با کتابت منعقد می‌شود.

بخش دوم: اتفاق و اختلاف مذاهب اربعه و امامیه در مهم‌ترین مسائل

از نظر فقه حنفیه، عقد نکاح به هر لفظی که از اراده بر ازدواج حکایت کند، مانند بیع و هبه نیز منعقد می‌شود، یعنی اگر مثلاً زن بگوید: خودم را به تو فروختم یا بخشیدم، عقد ازدواج صحیح است، اما در مذاهب دیگر اسلامی چنین نیست، در فقه امامیه نیز باید با دو لفظ «نکاح» و «تزویج» منعقد شود. مذاهب اربعه به خلاف مذهب امامیه، برای صحت عقد نکاح شرط کرده‌اند که دو مرد عادل به عنوان شهود، بر وقوع آن شهادت دهند. در فقه حنفیه، زن و مرد در صورتی که در دو مکان و دور از هم باشند، می‌توانند با کتابت، صیغه عقد را اجرا کنند. از نظر امامیه هرگز نمی‌توان با دو خواهر، هم‌زمان عقد ازدواج بست، هم‌چنین ازدواج مسلمان با کافر (غیر اهل کتاب) حرام است. ازدواج زن مسلمان با اهل کتاب نیز صحیح نیست، اما ازدواج مرد مسلمان با اهل کتاب از نظر مذاهب چهارگانه اهل سنت اشکال ندارد اما به خلاف آن‌ها امامیه ازدواج مرد مسلمان با اهل کتاب را اگر ازدواج دائم باشد به عقیده بیشتر فقهاء، حرام است ولی در ازدواج موقت حکم به صحت آن داده‌اند. طبق نظریه‌ی اهل سنت، نکاح موقت طی جریان جنگ خبیث فقط به مدت دو روز توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم رخصت داده شده سپس منع گردید. پس از آن در واقعه‌ی فتح مکه، باز پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم اجازه‌ی نکاح موقت را صادر کردند اما در همان اولین شب فتح مکه، باز آنرا تحریم کرده و اعلان کردند که تا قیام قیامت نکاح موقت حرام گردانیده شده است. جالب توجه است بدانید شخصی که به دستور پیامبر حکم تحریم نکاح موقت را به مردم اعلان کردند حضرت علی رضی الله عنه می‌باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در تمام عمر مبارک خود، حتی یک بار هم اقدام

به نکاح موقت ننموده اند. طبق نظریه ی اهل سنت، نکاح موقت طی جریان جنگ خیبر فقط به مدت دو روز توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم رخصت داده شده سپس منع گردید. پس از آن در واقعه ی فتح مکه، باز پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم اجازه ی نکاح موقت را صادر کردند اما در همان اولین شب فتح مکه، باز آنرا تحریم کرده و اعلان کردند که تا قیام قیامت نکاح موقت حرام گردانیده شده است. جالب توجه است بدانید شخصی که به دستور پیامبر حکم تحریم نکاح موقت را به مردم اعلان کردند حضرت علی رضی الله عنه میباشد. هر عمل نامشروع که قبل از انجام عقد همچون خلوت کردن، صحبت کردن و دیدن اعضاء بدن و... صورت میگیرد، از نظر شرع مقدس اسلام مطلقاً حرام است. فرقی نمیکند پس از آن، عقد نکاح انجام گیرد یا عقد نکاح صورت نپذیرد و حتماً باید از کرده ی خود توبه کند. ازدواج در حالت اعتدال، سنت است. شخص معتدل یعنی کسیکه برای انجام کلیه ی حقوق نکاح از قبیل «قدرت مقاربت»، «دادن مهریه و نفقه»، «عدم تعدی به حقوق همسر» آمادگی داشته و از عدم ارتکاب زنا و محرمات و همچنین از عدم ترک واجبات و فرائض، مطمئن باشد. ازدواج برای اینگونه افراد سنت بوده و با ترک آن، وی گناهکار خواهد شد. لذا تجرد دائمی برای اینگونه افراد مخالف با سیره و سنت نبی اکرم صلی الله علیه و سلم میباشد. البحر الرائق شرح کنز الدقائق. در مذهب حنفی، دیدن فرج داخل یک زن با شهوت، مساس کردن اندام یا زنا کردن با آن، موجب حرمت دختران آن زن می باشد. یعنی هرگاه آن زن را به عقد نکاح خود در نیاورده و بخواهد دختران آن را عقد نماید، دختران آن زن، برای وی حرام می باشند اما خود آن زن به هیچ وجه حرام نبوده و می تواند به عقد و نکاح خود در آورد. اما دیدن آن زن فقط به صورت برهنه و عریان بدون دیدن فرج داخل آن، موجب حرمت نمی باشد. عقد نکاح، با ایجاب از یک طرف و قبول از طرف دیگر منعقد میگردد. الفاظ انعقاد نکاح میتواند هر دو ماضی باشد

همچون «تو را به همسری برگزیدم - من همسر تو گشتم» یا امر و ماضی همچون «مرا به همسری اختیار کن - من تو را به همسری اختیار کردم». در عقد نکاح، وجود دو شاهد مرد یا دو زن و یک مرد که هر دو، سخنان متعاقبین را می‌شنوند و می‌فهمند لازم است و هر نکاحی که بدون این شاهدها باشد نکاح فاسد به شمار آمده و فسخ آن لازم است. طریقه خطبه نکاح بدین صورت است. لازم به ذکر است که این خطبه توسط وکیل عروس قرائت می‌شود. اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله نحمده و نستعینه و نستغفره و نعوذ بالله من شرور انفسنا و من سیئات اعمالنا من یهده الله فلا مضل له و من یضلل الله فلا هادی له و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله. یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا و نساء و اتقوا الله الذی تسائلون به و الارحام ان الله کان علیکم رقیبا. یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته و لاتموتن الا و انتم مسلمون. یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیداً یصلح لکم اعمالکم و یغفر لکم ذنوبکم و من یطع الله و رسوله فقد فاز فوزا عظیما. پس از قرائت این خطبه توسط وکیل عروس، هر دو وکیل (وکیل داماد و عروس) هر دو با هم دست داده و وکیل عروس این عبارات را قرائت می‌کند: الحمد لله و الصلاه و السلام علی رسول الله صلی الله علیه و سلم انکحت و زوجت موکلتی (مثلا فاطمه بنت محمد) من موکلک (مثلا علی بن ابی طالب) علی ما امر الله به من امساک بمعروف او تصریح باحسان و علی سنه رسول الله صلی الله علیه و سلم و علی مذهب الامام ابی حنیفه الکوفی رحمه الله تعالی علیه و علی المهر المسمى فیما بینهم و علی شهاده هولاء الحاضرين. سپس وکیل داماد این عبارات را قرائت می‌کند: قبلت نکاحها لموکلی (مثلا علی ابن ابی طالب) علی ما امر الله به من امساک بمعروف او تصریح باحسان و علی سنه رسول الله صلی الله علیه و سلم و علی مذهب الامام ابی حنیفه الکوفی رحمه الله تعالی علیه و علی

المهر المسمى فيما بينهم و على شهاده هولاء الحاضرين. سپس اين دعاء توسط وكيل عروس قرائت ميشود: الحمد لله، الحمد لله، الحمد لله الذى جعل النكاح سنه للانام و فاصلا بين الحلال و الحرام كما قال الله تعالى «فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنى و ثلاث و رباع» و كما قال رسول الله صلى الله تعالى عليه و سلم «النكاح سنتى فمن رغب عن سنتى فليس منى» ثم الناكح راغب و المنكوحه مرغوبه و المهر على ما تراضيا و اقول قولى هذا استغفر الله لى و لكم و لجماعه الحاضرين و المسلمين كلهم اجمعين. اللهم الف بينهما كما الفت بين قلوب المومنين والمومنات و كما الفت بين آدم و حوا و كما الفت بين ابراهيم و ساره و كما الفت بين يوسف و زليخا و كما الفت بين محمد المصطفى صلى الله تعالى عليه و سلم و خديجه الكبرى و كما الفت بين على المرتضى و فاطمه الزهراء رضوان الله تعالى عليهم اجمعين. اللهم اجعل هذا العقد ميمونا مباركا و اجعل بينهما الفه و محبتا و قرارا و لاتجعل بينهما نفره و فرارا بارك الله لهما و بارك عليهما و جمع الله بينهما بالخير. اللهم ارزق لهما ذريه طيبه انك سميع الدعاء ربنا هب لنا من ازواجنا ذرياتنا قره اعين و اجعلنا للمتقين اماما سبحان ربك رب العزه عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين.

برای ازدواج مجدد رضایت زن به هیچ وجه شرط نیست. اما طبق فرمایش قرآن کریم، فقط کسانی میتوانند اقدام به تجدید فراش نمایند که قطعا و یقینا بدانند که بین زنان خود عدالت و مساوات را رعایت خواهند کرد. فقط برای اینگونه اشخاص ازدواج مجدد سنت محسوب میشود. اما کسانی که اینگونه نیستند ازدواج مجدد نه تنها برای آنان سنت نبوده بلکه حرام و نامشروع میباشد. قبل از هر چیز یاد آوری یک نکته را لازم میدانیم و آن اینست که در شرع مقدس اسلام هر گونه ارتباط علنی یا پنهانی دختر و پسر نامحرم، به شدت نهی شده و حرام میباشد. لذا در مرحله ی اول این ارتباط شما و وعده و وعیدهای شما کاملاً اشتباه و به دور از درایت بوده و هرگاه والدین شما از ازدواج و وصلت شما

ممانعت بعمل آوردند (انشاء الله که هیچ وقت چنین نخواهد شد) و هیچ گونه رضایتی به ازدواج شما نداشتند اگر چه در مذهب حنفی رضایت والدین شرط نیست اما به لحاظ حفظ حرمت و شخصیت اجتماعی آنان، شما قادر به وصلت و ازدواج با یکدیگر نخواهید بود. و این مشکل چیز نیست که تنها خودتان با دست خودتان درست کرده اید. لذا عاقلانه ترین راه این بود که میبایست شما پس از پسند یکدیگر، والدین خود را جهت خواستگاری و نشان کردن، به خانه دختر میفرستادید و پس از عقد و محرمیت، با خیال راحت ارتباط خود را حفظ میکردید. شما این مرحله را پشت سر گذاشته اید. حالا بهترین کاری که باید بکنید اینست که از ارتباط و دوستی خود با آن دختر، والدین را مطلع کنید و بگوئید که اگر شما رضایت داشته باشید میخوایم آنرا به عقد خود در بیاورم و سعی کنید با رضایت آنان، دعای خیر آنان را به دست آورید. اما از آنجایی که در مذهب حنفی رضایت والدین در عقد نکاح شرط نیست، میتوانید در صورت مخالفت آنان، عقد نکاح خود را انجام داده و ازدواج نمائید. اما ما به شما این را پیشنهاد نمیکنیم. زیرا انسان یک مخلوق اجتماعی است. حرمت و حیثیت یک فرد در اجتماع و محیط پیرامون لازمه ی یک شخص است. نگذارید در این دو روز عمر خود، بدون رضایت والدین که خداوند رضایت خود را متعلق به رضایت آنان کرده است، در اول جوانی و در اوج آمال و آرزوها، زندگی خود را با تلخی و سراسر نفرت و دشمنی آغاز نمائید. سعی کنید هر طور که شده و به هر طریق ممکن رضایت والدین خود را جلب کنید. از دوستان و آشنایان و از کسانی که والدین شما از آنها حرف شنوی دارند کمک و یاری بجوئید. برای ازدواج فرزندان، اگرچه رضایت والدین شرط نیست، اما توصیه میکنیم که این امر خیر را با رضایت و دعای خیر والدین خود شروع کرده و اقدام به تشکیل خانواده نمایید. زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در یک حدیثی میفرمایند: رَضِيَ الرَّبُّ فِي رَضَى الْوَالِدَيْنِ. یعنی رضایت خداوند در رضایت والدین است. هیچوقت نگذارید خواسته های شما و خواهشهای نفسانی شما، شما را وادار به کاری کند که رضایت والدین و رضایت

پروردگار در آن وجود ندارد. به خداوند توکل کنید و پیوسته به فکر جلب رضایت والدین خود باشید که برکت زندگی و ازدواج در آن خواهد بود. در فقه حنفی، برای صحت عقد نکاح وجود دو مرد عاقل و بالغ یا یک مرد و دو زن عاقله به عنوان شاهد لازم و واجب است. شاهدان باید ایجاب و قبول متعاقبین را با هم شنیده و معنی و مفهوم آنرا باید درک نمایند. لذا اگر شاهدان از یک ملت و با یک گویش دیگر بوده و معنی و مفهوم ایجاب و قبول زوجین را نفهمند به عنوان شاهد پذیرفته نشده و عقد آنان نیز صحیح نخواهد بود. هرگاه دختر و پسر بدون حضور شاهد، اقدام به عقد نکاح خود نمایند این نکاح، نکاح فاسد به شمار آمده و فسخ آن لازم میگردد. نکاح فاسد عقد را ایجاب نمیکند لذا برای فسخ آن لازم نیست از طرف زوج طلاق صادر گردد. نکاح فاسد اگر چه مستلزم عقد نیست اما شبهه عقد را واجب میگرداند به این معنی که اگر کسی با عقد فاسد زنی را به عقد در آورده و نزدیکی کند، زنا محسوب نشده و حکم زنا (۱۰۰ تازیانه یا سنگسار شدن) بر وی اجرا نمیشود اما مرتکب گناه بسیار بزرگی خواهد شد. انجام عقد نکاح قبل از مراسم عروسی، عمل بسیار نیک و پسندیده ای می باشد و نه تنها هیچگونه مشکل شرعی ندارد بلکه شایسته است هر جوان مؤمن و متدین قبل از برگزاری مراسم عروسی عقد نکاح را انجام داده تا بتواند بدون هیچگونه مانع شرعی، مقدمات عروسی و خرید جهیزیه را به اتفاق هم انجام دهند.

بخش سوم: اتفاق مذاهب اربعه در شروط چهارگانه صیغه (ایجاب و قبول)

۱. اتحاد مجلس زمانی که دو عاقد حاضر باشند؛ یعنی اینکه ایجاب و قبول در مجلس واحد باشد به دلیل اینکه شرط ارتباط اتحاد زمان است پس اگر مجلس اختلاف پیدا کند عقد منعقد نمی شود.

۲. موافقت و مطابقت قبول با ایجاب؛ با اتحاد قبول و ایجاب در محل عقد و در مقدار

مهر توافق محقق می شود.

۳. بقا موجب بر ایجاب؛ شرط است که موجب قبل از قبول عاقد دیگر از ایجابش بر نگردد.

۴. تنجیز عقد نکاح در حال؛ عقد نکاح همچون بیع شرط است که در حال باشد. بنابراین نظر همه مذاهب اربعه جایز نیست عقد ازدواج اضافه به زمان مستقبل شود.

در خلاصه و جمع بندی باید گفت به اتفاق همه مذاهب، تعلیق ازدواج به هیچ شرطی جایز نیست. اتفاق اکثر فقهاء، بر بطلان حکم خیار در عقد ازدواج است، حال فرقی نمی کند که خیار، خیار مجلس و یا خیار شرط باشد.

منابع و مأخذ

- [۱]. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۵۷۶، دارالقلم، ۱۴۱۲ هـ دمشق؛ میرزا ابوالحسن شعرانی، نثر طوبی، ص ۱۷۷-۱۷۸، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۹۸ هـ تهران؛ آیت الله مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۳۷۶، نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش، قم.
- [۲]. وزارت اوقاف و شئون اسلامیة، الموسوعة الفقهیة، ج ۳، ص ۱۹۸، دار الصفوة، ۱۴۱۴ هـ کویت.
- [۳]. حسین مروج، اصطلاحات فقهی، ص ۳۵۵، نشر بخشایش، ۱۳۷۹، ش، قم.
- [۴]. دائرة المعارف تشیع، ج ۱۱، ص ۳۲۰، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۴ ش، تهران.
- [۵]. آیت الله مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۳۷۷، همان.
- [۶]. میرزا ابوالحسن شعرانی، همان، ص ۴۹۶.
- [۷]. بقره (۲) آیه ۲۳۷.